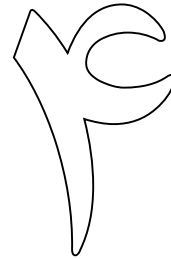


# جایگاه سازمان‌های بین‌المللی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران



حسین کریمی‌فرد\*

## چکیده

جایگاه سازمان‌های بین‌المللی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی براساس نظام معنایی - هویتی کارگزاران جمهوری اسلامی ایران در دوره‌های مختلف نسبت به ماهیت و کارکرد سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی متفاوت است. از سال ۱۳۵۷ تاکنون به تجربه ثابت شده است که در دوره‌هایی که ایران با سازمان‌های بین‌المللی تعامل مثبت داشته، امنیت و منفعت ملی ایران بهتر تأمین شده و همکاری با سازمان‌ها در عرصه‌های مختلف فرصت‌هایی را برای دیپلماسی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مهیا کرده است. از سوی دیگر دیدگاه تقابلی نسبت به سازمان‌های بین‌المللی با ایجاد چالش‌ها و مشکلاتی در حوزه‌های مختلف برای کشور، وجهه دولت در جهان را خدشه‌دار می‌کند. در این مقاله تلاش می‌شود جایگاه سازمان‌های بین‌المللی در سیاست خارجی ایران از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۲ مورد بررسی قرار گیرد.

**واژه‌های کلیدی:** سازمان‌های بین‌المللی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، غرب، منفعت ملی

پرتال جامع علوم انسانی

\* استادیار علوم سیاسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی؛ واحد اهواز  
تاریخ دریافت: ۹۲/۳/۱۰  
تاریخ پذیرش: ۹۲/۸/۷  
فصلنامه سازمان‌های بین‌المللی، سال اول، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۲، صص ۱۷۸-۱۴۱

## مقدمه

با تکوین سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی در قرن نوزدهم، تعداد، حوزه، کارکرد و فعالیت‌های آنها در قرن بیستم روبه فزونی نهاد. در سطوح جهانی ایجاد جامعه ملل و سازمان ملل به‌عنوان دو سازمان جهانی، نقاط عطفی در تاریخ سازمان‌های بین‌المللی محسوب می‌شوند. در سطوح منطقه‌ای ایجاد سازمان منطقه‌ای برای همکاری و هماهنگی منطقه‌ای در حوزه‌های موضوعی مختلف و جلوگیری از رشد ناسیونالیسم افراطی در اروپا و مناطق دیگر جهانی مورد تأکید قرار گرفتند در نیمه دوم قرن بیستم دولتمردان، سیاستمداران و محققان آگاهی یافتند که مشکلات و معضلات در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی فراتر از محدودیت‌های دولت‌هاست و دولت‌ها به‌تنهایی قادر به حل آنها نیستند. آلودگی محیط زیست، بیماری‌ها، گسترش سلاح‌های کشتار جمعی، بحران‌های اقتصادی جهانی و... از مسائلی می‌باشد که همکاری و همگرایی جهانی برای حل آنها ضروری است.

از پایان جنگ جهانی دوم تاکنون سازمان‌های بین‌المللی نقش فزاینده‌ای در سیاست بین‌الملل، روابط و همکاری میان دولت‌ها ایفا کرده‌اند. نهادهای بین‌المللی به‌عنوان مجموعه‌ای از قوانین، تنظیم‌کننده رفتار بین‌المللی دولت‌ها به‌شمار می‌روند که این نهادها قواعد بازی در زیست اجتماعی را مشخص می‌کنند (Maier-Rigaud, 2008: 4).

از بعد نظری کارکرد اصلی سازمان‌ها تأمین صلح و امنیت بین‌المللی است؛ هرچند این سازمان‌ها در حوزه‌های موضوعی متفاوت اعم از نرم یا سخت فعالیت کنند. بنابراین نظر به اهمیت، گستره و جایگاه سازمان‌های بین‌المللی در فرایندهای جهانی، ضرورت دارد واحدهای سیاسی جهانی با اتخاذ رویکردهای چندجانبه‌گرا

ضمن ارتقای وجهه بین‌المللی، در راستای تأمین منافع و امنیت ملی خود اهتمام ورزند.

سازمان‌های بین‌المللی در ابتدای هزاره سوم تبدیل به یکی از مهم‌ترین بازیگران عرصه روابط بین‌الملل شده و با گستره تأثیرگذاری وسیعی در سطح ملی و بین‌المللی در تمامی موضوعات مبتلابه جوامع و جامعه بین‌المللی وارد شده‌اند. در فضای تعاملات بین‌المللی امروزی که با تحولات در نظریه‌پردازی و تقویت ساختارهای اجرایی همراه بوده است، همکاری و همگرایی بیشتر با سازمان‌های بین‌المللی یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر در سطح بین‌المللی است (طباطبایی، ۱۳۸۶: ۱۴)؛ بنابراین ایران به‌عنوان کشوری که با توجه به ژئوپلیتیک خود ناگزیر به حضور در عرصه‌های مختلف جهانی است، باید در سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری سیاست خارجی جایگاه سازمان‌های بین‌المللی را لحاظ کند. ایران می‌تواند با مشارکت در تعیین دستورکار سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی، ارتقاء جایگاه و پرستیز، بهبود چهره و نمایش چهره صلح‌طلب به‌عنوان بازیگر قاعده‌مند و هنجارساز جهانی از سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی استفاده کند.

در این مقاله تلاش می‌شود جایگاه سازمان‌های بین‌المللی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار گیرد. پرسش اصلی این مقاله آن است که سازمان‌های بین‌المللی چه جایگاهی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی داشته‌اند؟ در پاسخ به این پرسش باید گفت: جایگاه سازمان‌های بین‌المللی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی براساس وضعیت داخلی کشور و دیدگاه کارگزاران نظام در دوره‌های مختلف نسبت به ماهیت و کارکرد سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی متفاوت است.

بنابراین اتخاذ رهیافت‌های متفاوت نسبت به سازمان‌های بین‌المللی براساس جابه‌جایی کارگزاران جمهوری اسلامی، شرایط محیطی و بین‌المللی، ضرورت‌های عینی و واقعیت‌های ملموس داخلی مثل (مشکلات اقتصادی و...) و بین‌المللی (تحریم‌ها و...) بوده است؛ به‌عبارتی ضمن اذعان به چندعلتی بودن تنظیم استراتژی جمهوری اسلامی نسبت به سازمان‌های بین‌المللی، در این مقاله دیدگاه کارگزاران و وضعیت داخلی کشور نسبت به سازمان‌های بین‌المللی بررسی می‌شود.



### ۱. انواع طیف‌های فکری نسبت به سازمان‌های بین‌المللی

با توجه به اینکه تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی در دوره‌های مختلف (۱۳۹۲-۱۳۵۷) به‌طور کامل در چارچوب یک نظریه سیاسی قرار نمی‌گیرد و متخصصان برای هر دوره‌ای از نظریه‌ای خاص استفاده می‌کنند؛ برای مشخص کردن جایگاه سازمان‌های بین‌المللی در سیاست خارجی نیز کاربرد چنین روشی ضروری به‌نظر می‌رسد. مثلاً دیدگاه حاکم در ایران نسبت به سازمان‌های بین‌المللی در سال‌های ۱۳۶۸-۱۳۶۰ و ۱۳۹۲-۱۳۸۴ در چارچوب نظریات واقع‌گرایانه می‌گنجد. «سازمان‌های بین‌المللی در جهان واقع‌گرایانه، یکی از دو نقش را ایفاء می‌کنند: نقش اول نقش حاشیه‌ای است. سازمان‌های بین‌المللی تنها در حواشی سیاست جهانی موضوعیت می‌یابند. آنها ممکن است در حوزه‌های غیربحث‌برانگیز که دولت‌ها دارای منافع مشترک هستند، همکاری را ترویج دهند. باوجود این، آنها به‌ندرت رفتار دولت را در حوزه‌های موضوعی‌ای که در آنها منافع متفاوت و متعارض دارند، محدود می‌کنند. به‌عبارت دیگر، سازمان‌های بین‌المللی در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی نقش کمی دارند یا اساساً نقشی ندارند. بلکه اعم از اینکه جنگ به منصفه ظهور برسد یا نرسد، واقعیت‌های توازن قدرت دیکته و القاء می‌شود. سازمان‌های بین‌المللی همچنین می‌توانند نقش مداخله‌گرانه‌ای را در محاسبات قدرت‌های بزرگ داشته باشند. سازمان‌های بین‌المللی از سوی هژمون مورد استفاده قرار می‌گیرند و قدرت‌های بزرگ منافع خود را در نظام بین‌الملل پیش می‌برند. دولت‌های غیرقدرتمند نیز از سازمان‌های بین‌المللی برای دستیابی به اهداف استفاده می‌کنند و در نظام موجود از حق اظهارنظر برخوردار می‌شوند اما بر مبنای محدودیت رفتار دولت، سازمان‌های بین‌المللی از نفوذ کمی برخوردارند. دولت‌ها در صورتی که امنیت بلافصل‌شان یا منافع ملی مهم آنها در خطر قرار گیرد، از سازمان‌های بین‌المللی گذر کرده یا آنها را نادیده می‌گیرند.» (پیز کلی، ۱۳۸۷: ۱۱۱).

از دیدگاه واقع‌گرایان، کارکرد سازمان‌های بین‌المللی صرفاً بازتابی از توازن قدرت منطقه‌ای و بین‌المللی دولت‌ها محسوب می‌شود. «بنابر اعتقاد اندیشمندان مکتب واقع‌گرایی، سازمان‌های بین‌المللی را نمی‌توان پدیده‌های گسترده‌ای تصور کرد، زیرا این نهادها به خودی خود تنها سازوکارهایی هستند که اعضای تشکیل‌دهنده آن

اراده می‌کنند و خارج از آن در ذات خود هیچ اصالت و اعتباری ندارند. به‌واقع واقع‌گرایان، دولت‌ها را تنها بازیگران مستقل و حاکمی می‌دانند که داور نهایی اقدامات خود در تعاملات بین‌المللی هستند» (موسویان، ۱۳۸۵).

همچنین نظریات نهادگرایی لیبرال بهتر می‌تواند سیاست‌های دولت موقت، دولت سازندگی و دولت اصلاحات را نسبت به سازمان‌های بین‌المللی تبیین کند. «از دیدگاه نهادگرایان با افزایش نقش نهادهای بین‌المللی شاهد گسترش همکاری‌های بین‌المللی در راستای منسجم ساختن بیشتر جامعه بین‌المللی می‌باشیم. برخی از تحلیل‌گران این دیدگاه ادعا می‌کنند که جنگ را می‌توان از میان برداشت و فرهنگ صلح را جایگزین آن کرد. اندیشه‌های کسانی مانند ویلسون و آنجل بر پایه دیدگاه لیبرال‌ها در مورد موجودات انسانی و جامعه انسانی است، اینکه انسان‌ها موجودات عقلانی هستند و با عقلانیت به این مهم می‌رسند که با ایجاد مجموعه‌ای از سازمان‌ها، همه می‌توانند از فرهنگ غنی صلح و آرامش و امنیت حاصل از آن در روابط بین‌الملل بهره‌مند شوند. همه این مسائل پایه تأسیس سازمان‌های بین‌المللی از جمله جامعه ملل شد.» (ساعد، ۱۳۸۹: ۱۶). نهادگرایان لیبرال نیز معمولاً دیدگاه خوش‌بینانه‌ای نسبت به نقش نهادهای بین‌المللی در ایجاد و گسترش همکاری‌های بین‌المللی و در نتیجه صلح دارند و معتقدند از سازمان‌های بین‌المللی و توانایی آنها می‌توان برای افزایش یا تثبیت مزایای صلح، مانند وابستگی متقابل اقتصادی و کاهش هزینه‌های جنگ از طریق تنبیه جمعی متجاوز استفاده کرد (مشیرزاده، ۱۳۸۸: ۵۹).

از دیدگاه نگارنده منبع معرفتی اتخاذ راهبرد جمهوری اسلامی در قبال سازمان‌های بین‌المللی نظریات واقع‌گرایانه یا نهادگرایانه لیبرال نبوده است؛ بنابراین از به‌کارگیری مفهوم «واقع‌گرایی» و «نهادگرایی لیبرال» در این مقاله اجتناب شده است. با توجه به مطالب بالا، می‌توان به دو طیف فکری متفاوت در مورد سازمان‌ها، نهادها و حقوق بین‌الملل پس از انقلاب اسلامی در ایران اشاره کرد:

### ۱-۱. واگرایان از نظام بین‌الملل (درون‌گرایان)

پس از پیروزی انقلاب اسلامی با توجه به تفوق گفتمان غرب‌گرایانه بر جهان، ماهیت غربی نظام بین‌الملل و سازمان‌های بین‌الملل و تضاد هویتی بین مؤلفه‌های اسلام فقه‌ای با ماهیت نظام بین‌الملل، زمینه واگرایی ایران از نظام بین‌الملل فراهم شد. بعضی از عواملی که باعث واگرایی ایران از نظام بین‌الملل به‌ویژه سازمان ملل شد به‌شکل زیر بیان می‌شود:

- وقوع انقلاب اسلامی و تأثیر آن بر سیاست خارجی: وقوع انقلاب اسلامی در ایران میل دگرسازی و غیریت‌سازی را در حوزه سیاست خارجی تقویت کرد. غرب و مظاهر آن به‌عنوان «دگر» مهم جمهوری اسلامی قلمداد شدند؛ بنابراین از ابعاد تأثیرگذاری انقلاب بر حوزه سیاست خارجی مقابله‌جویی با غرب و سازمان‌های بین‌المللی است که توسط کشورهای قدرتمند غربی ایجاد شده‌اند.

- موانع معرفتی - شناختی: نگاه، تفسیر و تعریف از تحولات و مفاهیم بین‌الملل نزد سیاستمداران طیف واگرا برگرفته از منابع فقهی اسلام شیعی است که با منابع معرفتی گفتمان مسلط جهانی متفاوت و متضاد است.

- سابقه تاریخی نامطلوب قدرت‌های بزرگ به‌ویژه کشورهای غربی در ایران و خدشه‌دار شدن استقلال ایران باعث بی‌اعتمادی ایران نسبت به این کشورها شد. با توجه به اینکه قدرت‌های بزرگ غربی از بنیان‌گذاران سازمان‌های بین‌المللی به‌ویژه سازمان ملل می‌باشند، بی‌اعتمادی ایران به این سازمان‌ها تسری یافت.

- عملکرد نامطلوب سازمان ملل در قبال جنگ عراق علیه ایران: در طول جنگ تحمیلی عراق علیه ایران عملکرد نامطلوب شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه ایران و عدم رعایت اصل بی‌طرفی هنگام صدور قطعنامه باعث تقویت بی‌اعتمادی ایران به سازمان ملل شد. همین عامل باعث شد که ایران کارکرد سازمان ملل را خدمت به منفعت قدرت‌های بزرگ به‌ویژه آمریکا قلمداد کند.

- حاکم شدن سیاست تغییر وضع موجود و تغییر بنیادین ساختار نظام بین‌الملل باعث نگاه ساختارشکنانه ایران به سازمان‌های بین‌المللی شد.

مؤلفه‌های مهم نظری واگرایان نسبت به سازمان‌های بین‌المللی به‌شرح ذیل

است:

- از دیدگاه طیف واگرا سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی از عوامل غرب (به‌ویژه امریکا) هستند و کارکرد اصلی این نهادها تأمین منفعت ملی امریکا است. درون‌گرایان بدون در نظر گرفتن امکانات و مقدمات با رویکرد انقلابی خواستار تغییر نظام بین‌الملل و اصلاح سازمان‌های بین‌المللی به‌ویژه سازمان ملل شدند. ذهن‌گرایی و عدم توجه به واقعیت جهانی و مقدمات خود مهم‌ترین نقاط ضعف این رویکرد محسوب می‌شود. این رویکرد در سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۸ و ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ در ایران مسلط بود.

- «درون‌گرایی یا واگرایی از نظام بین‌الملل با نگاه تردیدآمیز و تهدیدمحور به سازمان‌های بین‌المللی از سوی نخبگان داخلی که ناشی از نظریه توطئه<sup>۱</sup> و دید غیرمتمامل داخلی است، در یک فرایند عینی و ملموس موجب شده‌اند تا روند هم‌گرایی و هم‌سویی میان نخبگان داخلی و محیط بین‌المللی غیردولتی یا دولتی به حداقل تأثیرگذاری برسد» (طباطبایی، ۱۳۸۶: ۷۳).

- «از نتایج مهم سیاست واگرایی در نظام بین‌الملل به حاشیه رفتن کشور و منزوی شدن ایران در جهان است. سیاست درون‌گرایی با رویکرد انفعالی<sup>۲</sup> و محافظه‌کارانه<sup>۳</sup> به گونه‌ای ایستایی<sup>۴</sup> در سیاست خارجی منجر می‌شود که با توجه به فضای خاص نظام بین‌المللی می‌تواند به بی‌توجهی به پدیده‌های اطراف و واکنشی شدن سیاست‌گذاری‌های بومی بیانجامد که این مسئله با دور ماندن از سیاست قدرت در جهان همراه است. عدم تعامل با سازمان‌های بین‌المللی به قرار گرفتن در حاشیه نظام بین‌الملل و به فراموشی سپرده شدن از سوی دیگر بازیگران نظام جهانی می‌انجامد» (آمین، ۱۳۸۶: ۴۷).

- «این گروه با مطلق‌گرایی و مطرح ساختن توقعات آرمانی از سازمان‌های بین‌المللی آنها را همواره مورد انتقاد قرار می‌دهند و با یک بیش‌سیاه و سفید موفقیت‌های آنها را به حساب حداقل، وظایف و ناکامی‌های آنها را به پای انحطاط

1. Conspiracy Theory
2. Passive
3. Consertive
4. Statism



آنها می‌نویسند. برخی سیاستمداران ملی نیز با همین بینش سازمان‌های بین‌المللی را جولانگاه بی‌معیار قدرت‌های سلطه‌گری مانند امریکا می‌دانند و هیچ فایده و منفعتی را در همگرایی و مشارکت جمهوری اسلامی ایران در سازمان‌های بین‌المللی متصور نمی‌دانند. بدیهی است چنانچه این نگاه در میان تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیرندگان غالب باشد، به تقویت همگرایی و ارتقای جایگاه جمهوری اسلامی در سازمان‌های بین‌المللی نمی‌توان امید چندانی داشت» (اسلامی، ۱۳۸۶: ۱۰۱)

- روند غیرمتعامل نخبگان ایرانی با سازمان‌های بین‌المللی و جامعه جهانی که ناشی از «خاص‌گرایی فرهنگی» نخبگان بومی و واگرایی آنها با فرایند «عام‌گرایی فرهنگی» در سطح بین‌المللی است، موجب شده است تا یک رهیافت انزواطلبانه از روندهای فراگیر بین‌المللی بر نخبگان فکری حاکم شود. اصولاً براساس مبانی رویکردهای متعارض با قواعد ناشی از هنجارهای قدرت بزرگ، نخبگان ایرانی نتوانسته‌اند، همپایه هم‌تابان خود، در نظام جهانی سازمان‌های بین‌المللی ادغام شوند (طباطبایی، ۱۳۸۶: ۷۲).

- دوگانگی رفتار سازمان‌های بین‌المللی نسبت به ایران باعث بی‌اعتمادی به این سازمان‌ها شده است. مثلاً «شیوه رفتار سازمان‌های بین‌المللی در قبال پرونده هسته‌ای ایران، موضوع حقوق بشر و معیارهای دوگانه موجود در سازمان‌های بین‌المللی موجب شکل‌گیری این باور اساسی در اذهان نخبگان ایران شده است که ایران همواره در تبعیض این سازمان‌ها قرار گرفته است» (زمانی‌نیا، ۱۳۸۶: ۸۲).

## ۱-۲. همگرایی با نظام بین‌الملل (برون‌گرایان)

مواجه شدن ایران با مشکلات اقتصادی و تقویت عنصر واقع‌نگری و مصلحت‌گرایی در حوزه سیاست خارجی و همچنین پذیرش نظم حاکم بر نظام بین‌الملل باعث همگرایی ایران با نظام بین‌الملل شد. اما دیدگاه آنها در مورد سازمان‌های و نهادهای بین‌المللی را می‌شود با تساهل و تسامح آنها در یک طیف قرار داد. طبق این رویکرد سازمان‌های بین‌المللی نهادها و سازمان‌های بین‌المللی



به عنوان بازیگران مهم جهانی و تأثیرگذار در معادلات منطقه‌ای و جهانی قابل اغماض نیستند و می‌توان از وجود آنها برای تأمین منفعت و امنیت ملی ایران استفاده کرد. این رویکرد ضمن انتقاد به تقوق قدرت بر عدالت در معادلات جهانی معتقد به همراهی و حمایت انتقادی با سازمان‌های بین‌المللی می‌باشد. این طیف دولت‌های بازرگان، هاشمی و خاتمی را دربر می‌گیرد، هرچند این سه دولت دارای مؤلفه‌های معنایی - هویتی متفاوتی هستند و دیدگاه آنها در ارتباط با مفاهیم و موضوعات داخلی و خارجی متفاوت است.

مؤلفه‌های همگرایی ایران با نظام بین‌الملل به شکل ذیل خلاصه می‌شود:  
- وجود عنصر واقع‌نگری، محاسبه‌گری و عقلانیت‌گرایی در حوزه سیاست خارجی؛

- پذیرش نظم بین‌الملل؛

- پذیرش وضع موجود جهان؛

- احترام به قواعد حقوق بین‌الملل؛

- پیگیری اهداف جمهوری اسلامی در چارچوب نظم حاکم بر نظام بین‌الملل؛  
همگرایان در مورد سازمان‌های بین‌المللی نکات ذیل را مورد تأکید قرار می‌دهند:

- این طیف با اتخاذ «سیاست برون‌گرایی در تعامل با فضای جامعه بر تعامل با فضای جامعه جهانی به‌ویژه نهادهای بین‌المللی تأکید می‌کنند. همچنین بر اتخاذ راهکارهای چندجانبه و جهانی که نیازمند سیاست فعال و ایجاد همکاری و گسترش آن با نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی مؤثر در تعاملات بین‌المللی است پا می‌فشارد. در این راستا سازوکارهای خاص تعامل با سازمان‌های بین‌المللی را می‌توان مذاکره، گفت‌وگو، اقیانوس‌سازی و چانه‌زنی تلقی کرد که حضور و ارتقای جایگاه جمهوری اسلامی ایران در سازمان‌های بین‌المللی می‌تواند از طریق تقویت ابزارهای یادشده انجام شود. در واقع پیچیدگی‌های خاص متغیرهای بین‌المللی به‌مثابه متغیرهای میانجی بین دولت‌ها و جامعه جهانی، اقتضا می‌کند تا ضمن تقویت زمینه‌های حضور ایران در سازمان‌های بین‌المللی، زمینه‌های واگرایی ایران و سازمان‌های بین‌المللی کمرنگ‌تر شود.» (امینی، ۱۳۸۶: ۴۸).

- اگر بخواهیم ارتقاء جایگاه جمهوری اسلامی ایران در سازمان‌های بین‌المللی و تقویت میزان تأثیرگذاری آن در فرایند ائتلاف‌سازی و تصمیم‌سازی به‌عنوان یک هدف مطرح باشد، ناگزیر باید نوعی نگاه ایجابی و مثبت‌اندیشی هشیارانه را جایگزین نگاه سلبی و انزواگرایانه کرد و با ایده‌پردازی پویا و متکی به ارزش‌ها و اعتقادات دینی و ملی، اما آمیخته با جرئت و جسارت، سازمان‌های بین‌المللی را عرصه و میدان تعامل و ارتباط تلقی کرد. از دل نگرشی که تمامی سازمان‌های بین‌المللی را ابزار سلطه استعمار و استکبار می‌داند، هیچ‌گونه توصیه و راهکاری برای هم‌گرایی و تأثیرگذاری سازنده جمهوری اسلامی ایران در سازمان‌های بین‌المللی استخراج نخواهد شد (طباطبایی، ۱۳۸۶: ۱۰۲).

- در این رویکرد تلاش می‌شود تا وجهه مثبت و چهره مطلوبی از ایران در نظام بین‌الملل ایجاد شود. «آنچه برای منافع و امنیت ملی ایران اهمیت وافری دارد، تلاش ویژه‌ای در راستای ارائه چهره‌های نوین از هویت ایران پس از انقلاب اسلامی به‌عنوان بازیگری پویا و متعامل در جامعه جهانی به‌عمل آید و این مسئله می‌تواند خود زمینه‌ساز ارتقاء حضور نخبگان ایران در سازمان‌های بین‌المللی از منظر سطح تحلیل کلان، تلقی شود. اصولاً به‌دلیل جایگاه ایران که ماهیتی بین‌المللی و فرامنطقه‌ای دارد، هرگونه دگرگونی در چهره بین‌المللی ایران می‌تواند به تغییر جایگاه توانمندی‌های بین‌المللی ایران منجر شود که در مقوله افزایش حضور نخبگان ایرانی در سازمان‌های بین‌المللی بسیار مؤثر است، زیرا اراده‌ای را که سعی می‌کند از ایران تصویری به‌عنوان یک متغیر آشوب‌ساز در نظام بین‌الملل ارائه کند، تعدیل می‌کند و می‌تواند فضای تأثیرگذاری و مانور بیشتری را به ایران برای حضور نخبگان ایران در سازمان‌های بین‌المللی ارائه کند.

## ۲. واگرایان از سازمان‌های بین‌المللی (درون‌گرایان)

درون‌گرایان با اعتقاد وجود نظام سلطه در جهان، در راستای تغییر وضع موجود و دگرگون کردن نهادها و قواعد بنیادین نظام بین‌الملل به طراحی سیاست خارجی ایران اقدام می‌کنند. همان‌گونه که اشاره شد، طیف واگرا از سازمان‌های بین‌المللی سال‌های ۱۳۶۸-۱۳۶۰ و ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ را دربر می‌گیرد.

## ۲-۱. سیاست خارجی تجدیدنظرطلب موسوی و سازمان‌های بین‌المللی

جهت‌گیری سیاست خارجی ایران در این مقطع به‌شدت متأثر از ماهیت انقلاب و حوادث پس از پیروزی انقلاب بود. دولت ایران سازمان‌های بین‌المللی را ذیل غرب به رهبری ایالات متحده آمریکا تعریف کرده و سیاست واگرایی نسبت به آنها در پیش گرفت. به عبارتی غرب به‌عنوان «دگر» یا «دشمن» و آمریکا به‌عنوان رهبر غرب نماد شیطان بزرگ، امپریالیسم یا استکبار جهانی در نظر گرفته شد و سازمان‌های بین‌المللی به‌عنوان ابزاری در خدمت امپریالیسم مطرح شدند. بدیهی است با چنین تعبیری حالت اعتراض شدید نسبت به سازمان‌های بین‌المللی به‌ویژه سازمان ملل پیش می‌آمد.

مهم‌ترین مؤلفه‌های سیاست خارجی موسوی در ارتباط با سازمان‌های بین‌المللی عبارتند از:

### ۱-۱-۲. اعتراض به سازمان ملل و شورای امنیت

با شروع جنگ و هنگامی‌که زمام امور سیاست خارجی ایران در اختیار رادیکال‌ها قرار گرفت، مجامع بین‌المللی نسبت به برخی کارکردهای داخلی دولت ایران نگرش منفی داشتند. بنابراین همین بدبینی نسبت به سازمان‌های بین‌المللی باعث شد که در طول سال‌های جنگ، شورای امنیت هفت قطعنامه را در این زمینه به تصویب برساند و در مواقع مختلف بیانه‌هایی را مبنی بر درخواست عقب‌نشینی نیروها به مرزهای شناخته‌شده بین‌الملل، استرداد اسرا و... صادر کرد اما واکنش ایران، واکنش منفی بود.

در این شرایط، سازمان‌های بین‌المللی و ابرقدرت‌ها نیز علاقه‌ای به پیروزی ایران و گسترش اسلام سیاسی نداشتند؛ از این رو هیچ‌گاه پیشنهاد صلحی ارائه نکردند که حداقل خواسته‌های ایران را تأمین کند. حتی به‌نظر می‌رسد که به‌ویژه در میان سیاست‌مداران آمریکا و اسرائیل، تمایلی به طولانی شدن جنگ و نابودی منابع و نیروهای هر دو کشور مسلمان وجود داشت (میلانی، ۱۳۸۱: ۳۷۸).

رفتار تقابلی نظام بین‌الملل با ایران باعث بی‌اعتمادی و بدبینی جمهوری اسلامی ایران به سازمان‌های بین‌المللی به‌ویژه سازمان ملل متحد و شورای امنیت در



دوران جنگ شد. جمهوری اسلامی عملاً شورای امنیت سازمان ملل را به‌عنوان تنها مرجع بین‌المللی تشخیص و تأمین صلح و امنیت بین‌المللی تحریم کرد؛ به‌گونه‌ای که جمهوری اسلامی در اوایل تجاوز عراق به کشور در جلسات شورا که برای بحث و بررسی جنگ به‌منظور صدور قطعنامه تشکیل شد، شرکت نکرد. این بی‌اعتمادی و سوءظن به سازمان ملل و شورای امنیت تا آخرین لحظه جنگ ادامه یافت؛ از این رو جمهوری اسلامی بدون استثنا هیچ‌یک از قطعنامه‌ها و بیانیه‌های صادرشده از سوی شورای امنیت را رسماً نپذیرفت. چون ایران این سازمان را آلت دست قدرت‌های بزرگ، به‌ویژه آمریکا می‌دانست که با اتخاذ مواضع جانبدارانه از عراق، مرجعی بی‌طرف به‌شمار نمی‌رفت (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۳۶۴).

جمهوری اسلامی ایران در این دوره حضوری دو مرحله‌ای در سازمان ملل متحد داشت. در مرحله اول فقط از باب شناسایی توسط سایر دول شرکت می‌کرد و به علت وجود امتیازات خاصی چون حق وتو که منافی مفهوم ایدئولوژی «نه شرقی - نه غربی» به‌واسطه اصل نفی سبیل و اصل ولایت است و سازمان ملل را ابزاری برای مشروعیت و مقبولیت بخشیدن به تصمیمات ابرقدرت‌ها تبدیل کرده است، نوعی عدم اعتماد سیاسی نسبت به این سازمان داشت. اما در مرحله دوم که مسئله اساسی جنگ تحمیلی به موفقیت‌های خاص خود نزدیک می‌شد و فشار جهانی به‌منظور پایان جنگ بدون طرف پیروز از کانال سازمان ملل به جمهوری اسلامی وارد می‌شد، سیاست ایران در مورد مشارکت در سازمان ملل تغییر کرد، زیرا سازمان ملل به‌عنوان مکانی برای اخذ تصمیمات مهم تلقی می‌شد. توانایی سازمان ملل در زمینه صدور قطعنامه، محکومیت تجاوز، کمک به آوارگان، اعطای وام به کشورهای مختلف برای توسعه و بازسازی اقتصادی آنها، یا کمک به حل و فصل جنگ تحمیلی، همگی عواملی بودند تا ایران دیدگاه خود را نسبت به این سازمان بین‌المللی در راستای اهداف و منافع ملی خود تغییر دهد.

اهداف ایرانیان از حضور در این سازمان عبارتند از:

- تفهیم اهداف و اصول سیاست خارجی کشور به سایر دولت‌ها، به‌منظور تعامل با آنها در امور مشترک؛
- استفاده از امکانات تخصصی این سازمان، به‌ویژه وجود بخش‌های مختلفی

چون حمل و نقل بین‌المللی، صلیب سرخ، سازمان خواروبار جهانی و صندوق بین‌المللی پول که تا حدی می‌تواند ظرفیت‌های کشور را تقویت کند. به‌ویژه توجه به این امر که به‌نظر بعضی از پژوهشگران، توسعه کشورهای جهان سوم مستلزم همکاری بین‌المللی در بستر سازمان‌های تخصصی است؛

- با توجه به سیاست‌های عام خارجی جمهوری اسلامی ایران که حمایت از مستضعفان و دفاع از حقوق مسلمین را سرلوحه کار خود قرار داده است و با توجه به اینکه برای نمایندگان حرکت‌های رهایی‌بخش، جایگاهی در این سازمان‌ها پیش‌بینی شده است، ایران می‌تواند از تریبون سازمان ملل به‌عنوان ابزاری برای دفاع از حقوق محرومان استفاده کند؛

- استفاده از تریبون این مجامع برای نزدیک کردن مواضع آنها در مسائل مشترک؛

- اتخاذ تصمیمات مستقل از سایر بلوک‌بندی‌ها، که البته در راه موفقیت و یا عدم موفقیت این اهداف، فرازونشیب‌هایی وجود داشت که بعضاً منجر به همکاری و تعاون بیشتر این کشورها و در بعضی موارد بروز اصطکاک‌هایی می‌شد (بخشایشی، ۱۳۷۵؛ ۱۰۹).

### ۲-۱-۲. رفتار اعتراضی نسبت به حقوق و قواعد بین‌المللی

رفتار معترضان و ایدئولوژیک آرمان‌گرایانه انقلابی نسبت به حقوق و ترتیبات بین‌المللی صرف‌نظر از جنبه‌های سیاسی و تاریخی، دارای ابعاد فلسفی نیز می‌باشد در حالی که از نظر سیاسی نهادها و هنجارهای بین‌المللی ابزار مقاصد ظالمانه و تحقیق سلطه‌جابرانه قدرت‌های استعماری غربی و اروپایی محسوب می‌شوند و به‌لحاظ فلسفی وضع قواعد و موازین مزبور براساس محاسبه عقلایی انسان و تشخیص او از منابع و مصالح خود صورت پذیرفته است به‌نوعی در تضاد با مبانی حاکمیت دینی و الهی قرار می‌گیرد، چراکه در ادیان و به‌ویژه اسلام تشریح و قانونگذاری متعلق به خداوند و حکمت بالغه اوست. قوانین در اسلام مظهر سنن و اراده الهی هستند که انسان‌ها به‌ویژه پیامبران، ائمه، علما، شارح و مفسر آنها بوده و اعمال حاکمیت توسط ایشان در طول حاکمیت الهی انجام می‌گیرد و نه عرض آن.



این درحالی است که در حقوق بین‌الملل معاصر که خاستگاه آن در مدرنیته غربی و اروپایی است، انسان را محور و مدار همه چیز پنداشته و اعمال حاکمیت و قانونگذاری را منحصرأ از آن عقل مصلحت‌اندیش و حسابگرش می‌داند. به‌علاوه این امر مؤید آن است که تبعیت و الزام به قوانین برخاسته از اندیشه و تعلق انسان لائیک غربی می‌تواند راه‌های سلطه کفار بر مسلمین را هموار کند (نوروزی، ۱۳۸۳: ۲۰۶).

از آنجاکه بیش نظم جهانی اسلام به‌شکل ایدئولوژیک و آرمان‌گرایانه نه شرقی و نه غربی براساس نفی نظام بین‌الملل موجود استوار است، بنابراین تأسیسات و نهادهای بین‌المللی و موازین و هنجارهای رفتار دیپلماتیک به‌عنوان مشتقات و ملحقات نظام مذکور نمی‌توانست چندان مورد احترام قرار گیرد. در واقع حقوق و سازمان‌های بین‌المللی به‌مثابه ابزارهای نظام سلطه حاکم بر جهان تلقی می‌شوند که جز تحکیم مناسبات ظالمانه مبتنی بر غلبه ابرقدرت‌ها کاری نمی‌کند. در این مورد می‌توان به سخن معمار انقلاب توجه کرد: دنیا امروز گرفتار جهان‌خوران و غارتگرانی است که کشورها را به آتش می‌کشند و غارت می‌کنند و نیز گرفتار وابستگان آنان است که منافع ملت‌ها و کشورهای خود را فدای منافع ابرقدرت‌ها می‌کنند و همچنین گرفتار سازمان‌های دست‌نشانده قدرت‌های بزرگ به‌ویژه آمریکا است که با اسم و محتوای شورای امنیت و عنفوی بین‌الملل و حقوق بشر و از این قبیل مفاهیم بی‌محتوا که به قدرت‌های بزرگ خدمت و درحقیقت مجری احکام و مقاصد آنان و مأمور محکوم نمودن مستضعفان و مظلومان جهان به نفع قدرت‌های بزرگ جهان‌خوار هستند و می‌باشند (آئین انقلاب اسلامی، ۱۳۷۴: ۴۲۷).

بر مبنای راهبرد تهاجمی و راهکار انقلابی آرمان‌گرایی، تغییر و تحول زیربنایی ابعاد و عناصر ساختاری، هنجاری و نهادی نظام بین‌الملل موجود از مهم‌ترین اولویت‌ها و اهداف و منافع حیاتی سیاست خارجی ایران است. پس جمهوری اسلامی موظف است با استفاده از کلیه توانایی‌ها و قدرت خود به‌صورت یکجانبه یا چندجانبه نظام بین‌الملل مبتنی بر توزیع ناعادلانه و نابرابر قدرت را برهم زند. دستیابی به این تغییر ساختاری و نهادی مستلزم مبارزه بی‌امان با قطب‌های قدرت جهانی به‌عنوان سردمداران نظام سلطه و استکبار جهانی و حمایت همه‌جانبه از

مسلمانان و مستضعفان و نهضت‌های رهایی‌بخش است. تلاش برای تغییر ماهوی و ساختاری نهادها و سازمان‌های بین‌المللی و به تبع آن اصول و هنجارهای حاکم بر تعاملات بین‌المللی نیز یکی دیگر از الزامات تحقق این هدف راهبردی است؛ از این رو، در چارچوب گفتمان آرمان‌گرایی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی نسبت به نظم و وضع موجود تجدیدنظرطلب و انقلابی خواهد بود (دهقانی فیروزآبادی: ۲۱۴).

## ۲-۲. سیاست خارجی واگرایانه احمدی‌نژاد نسبت به نهادها و سازمان‌های

### بین‌المللی

در دوره احمدی‌نژاد میل به تمایزسازی، متفاوت بودن با بازیگران نظام بین‌الملل و دگرسازی به‌طرز روزافزونی افزایش یافت. به عبارتی هویت خود را از طریق تمایز با دیگران تعریف می‌کردند و دوست و دشمن خود را مشخص می‌کردند. «غیریت‌سازی مفرط» یعنی آفرینش و خلق دو قطب جداگانه از هم و ترسیم مرزهای تازه‌ای که این دو قطب را در مقابل هم قرار دهد و به ما اصالت ببخشد و آنها را نفی و انکار کند، یعنی تمایزسازی‌های مطلق بین ما و آنها، بین فرهنگ ما و فرهنگ آنها و بازتولید یک دیوار آهنین هویتی بین کیستی و هویت ما و هویت آنها است (ادیب‌زاده، ۱۳۸۷: ۵۸).

رویکرد ایدئولوژی‌گرایانه دولت نهم در سیاست خارجی متأثر از آرمان‌های انقلاب اسلامی است؛ بنابراین به دور از انتظار نیست که تفکر جهانی و فراملی، با تفکری جایگزین می‌شود که به نظام بین‌المللی بی‌اعتنا، در سخن و عمل با نگاهی جزومی و انعطاف‌ناپذیر، در تلاش برای تغییر هنجارهای حاکم بر روابط بین‌الملل است. در واقع بازآفرینی اصول‌گرایی از ویژگی‌های بارز سیاست خارجی در سال‌های ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد است. در چارچوب سیاست بازتولیدشده آرمان‌گرایی اسلامی، قدرت‌های بزرگ - و در رأس آنها ایالات متحده امریکا - مستکبرانی هستند که باید از منظر عزت امت اسلامی و مستضعفین جهان با آنها برخورد کرد و نه از زاویه مصلحت‌جویی‌های دیپلماتیک و الزامات ژئوپلیتیک. به این دلیل مصلحت‌گرایی اسلامی «و صلح‌گرایی مردم‌سالارانه» مورد

توجه دولت‌های خاتمی و رفسنجانی به شدت مورد نکوهش قرار می‌گیرند (ازغندی، ۱۳۸۹: ۱۴۳).

#### ۱-۲-۲. رویکرد احمدی‌نژاد نسبت به سازمان‌های بین‌المللی

احمدی‌نژاد ضمن به چالش کشیدن هنجارهای بین‌الملل مبتنی بر سلطه قدرت‌های سلطه‌طلب، هنجارهای نظم بین‌المللی مبتنی بر سلطه قدرت‌های بزرگ در سازمان ملل متحد را زیر سؤال برد و با بیان اینکه حق و تو در سازمان ملل زائیده توافقی و تبانی قدرت‌های بزرگ است و امری ناحق و ابزاری خطرناک در دست جهانخواوران زورمدار به‌شمار می‌آید، خواستار تغییر در نظم موجود شد و شورای امنیت سازمان ملل را ساخته و پرداخته قدرت‌های استکباری دانست تا از رهگذر زیر سؤال بردن مبانی مشروعیت نظم حاکم، به حمایت از کشورهای تحت ستم بپردازد.

احمدی‌نژاد با تأکید بر مفهوم عدالت و نگاه به موضوعات و مسائل بین‌المللی از این زاویه، ماهیت غربی دیسیپلین روابط بین‌الملل را مورد نقد و انتقاد جدی قرار می‌دهد. وی معتقد است «باتوجه به برخی از کسانی که خود واضع قوانین بین‌المللی هستند، آشکارا و به‌راحتی آن را نقض و سیاست تبعیض‌آلود و دوگانه اعمال می‌کنند. قانون خلع سلاح اتمی را وضع می‌کنند، ولی هر روز نسل‌های جدیدی از آن را آزمایش و انبارها را پر می‌کنند. منشور ملل متحد را تنظیم کرده‌اند، ولی حق استقلال و حاکمیت بر سرنوشت ملت‌ها را محترم نمی‌شمارند. قراردادهای رسمی خود را به‌راحتی و با تغییر سیاست زیرپا می‌گذارند. به قوانین مربوط به حفظ محیط زیست تن نمی‌دهند. بیشترین تخلف از قوانین توسط چند قدرت جهانی انجام می‌شود. برخی قدرت‌ها در مناسبات جهانی و هرکجا که منطبق آنان در می‌ماند به‌راحتی از زبان تهدید استفاده می‌کنند و رقابت سنگین تسلیحاتی سایه تهدید را بر جهان می‌گسترانند. مردم اروپا که قربانی دو جنگ بزرگ و چند جنگ دیگر خانمان‌سوز و چند ده جنگ سرد در قرن گذشته بودند، امروز نیز زیر سایه تهدید زندگی می‌کنند و منافع، امنیت و سرزمین آنان در سایه مسابقه تحمیلی از سوی برخی قدرت‌ها در خطر قرار می‌گیرد... آشکارا مشاهده می‌شود که سازمان‌ها و سازوکارهای موجود فاقد ظرفیت و توان‌مندی لازم برای حل مشکلات، رفع



چالش‌ها و تنظیم عادلانه مناسبات و برقراری صلح و برادری و امنیت هستند. کمتر دولت و ملتی است که برای احقاق حقوق یا دفاع از استقلال، تمامیت ارضی و منافع ملی خود امید به این سازوکارها داشته باشد... اینک پرسش مهم و تعیین‌کننده این است که ریشه این چالش‌ها و نابسامانی‌ها چیست و در کجاست؟ در یک ارزیابی علمی و دقیق، ریشه این وضعیت را باید در مناسبات برآمده از جنگ دوم جهانی جستجو کرد. آنجا که برخی قدرت‌های پیروز، نقشه سلطه بر جهان را ترسیم و سیاست‌های خود را نه براساس عدالت، بلکه براساس تضمین منافع پیروزمندان در برابر شکست‌خورندگان تنظیم کردند. از این‌رو سازوکارهای برآمده از این رویکردها و سیاست‌ها نیز شصت سال است که از حل عادلانه مسائل جهانی عاجز است. برخی قدرت‌های بزرگ همچنان رفتار پیروزمندان در جنگ جهانی را دارند و سایر دولت‌ها و ملت‌ها، حتی آنان را که در جنگ مشارکت و دخالتی نداشته‌اند، شکست‌خورندگان جنگ به حساب می‌آورند و از موضع ارباب و رعیتی، ملت‌ها را تحقیر و از آنان باج‌خواهی می‌کنند. برای خودشان حقوق برتر قایل‌اند و در برابر هیچ سازمان و مرجع بین‌المللی پاسخگو نیستند... در میان همه سازمان‌های ناکارآمد، متأسفانه شورای امنیت سازمان ملل در صدر قرار دارد. شرایطی ایجاد کرده‌اند که برخی قدرت‌ها با حق ویژه و انحصاری در شورای امنیت، چه شاکی باشند چه متهم، هم‌زمان دادستان، قاضی و مجری حکم هم هستند» (احمدی‌نژاد، ۱۳۸۶: ۵۵). مؤلفه‌های کلیدی احمدی‌نژاد در مورد نهادهای بین‌المللی عبارتند از:

- بی‌توجهی به هنجارها و قواعد بین‌المللی؛

- بی‌توجهی به قطعنامه‌های شورای امنیت؛

- بی‌توجهی به موضوعات حقوق بشری.

با حاکم شدن این دیدگاه در ایران، شورای امنیت سازمان ملل متحد قطعنامه‌های متعددی را در چارچوب فصل هفتم منشور تصویب و تحریم‌هایی را علیه ایران وضع کرد. سطح اثرگذاری این تحریم‌ها با وضع تحریم‌های داخلی توسط کشورهای غربی تشدید می‌شد.

بنابراین احمدی‌نژاد با قواعد، هنجارها، حقوق بین‌الملل، سازمان‌های بین‌المللی

و به‌طور کلی دیسپلین حاکم بر نظام بین‌الملل مخالفت کرد و آنها را در خدمت



کشورهای سلطه‌جو و قدرت‌های مادی جهان می‌دانست. از نظر احمدی‌نژاد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران اعمال اقتدارآمیز ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی شیعی در جهان است. او اعتقاد دارد زمان به‌نفع جمهوری اسلامی در جریان است و دیر یا زود ارزش‌ها، هنجارها و قواعد اسلامی همه‌جا را فرا خواهد گرفت. در این دوره ضمن بی‌توجهی به هنجارها و نهادهای بین‌المللی، بر سیاست‌های پوپولیستی و تقابلی با نظام بین‌الملل تمرکز شد.

### ۳. همگرایان با سازمان‌های بین‌المللی (برون‌گرایان)

طیف همگرایان یا برون‌گرایان شامل دولت‌های بازرگان، هاشمی و خاتمی است که به همکاری با نهادها و سازمان‌های بین‌المللی و احترام به قواعد و هنجارهای بین‌المللی برای تأمین منافع ملی اعتقاد دارند. با اذعان به اختلاف فکری آنها، با تساهل و تسامح دیدگاه آنها نسبت به سازمان‌های بین‌المللی در دو طیف قرار داده می‌شود:

#### ۳-۱-۳. نهادها و سازمان‌های بین‌المللی و سیاست خارجی بازرگان

هرچند دوره حکومت دولت موقت حدود نه ماه به‌طول انجامید و در طول این مدت نتوانست ارتباط چندانی با نهادها و سازمان‌های بین‌المللی برقرار کند، اما از موضع‌گیری این دولت در قبال حوادث مختلف به‌ویژه اشغال سفارت آمریکا می‌شود دیدگاه آنها را نسبت به نهادهای بین‌المللی مورد بررسی قرار داد. مهم‌ترین مؤلفه‌های فکری دولت موقت در ارتباط با سازمان‌ها و قواعد حقوق بین‌الملل به‌شکل ذیل است:

#### ۱-۳-۱. کسب اعتبار و اعتماد بین‌المللی در گرو احترام به نهادهای بین‌المللی

با توجه به معنا و مفهوم دولت، انقلاب اسلامی و اهداف این دو، گفتمان ملی‌گرایی، رویکردی محافظه‌کارانه مبتنی بر حفظ وضع و نظم موجود دارد، چون نه منافع معطوف به نظم جهانی و ایدئولوژیک برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی قائل است و نه اهداف فراملی برای انقلاب اسلامی متصور است.

این امر به‌معنای پذیرش نظم و وضع موجود بین‌المللی و تعامل و کنش در

چارچوب این نظام دولت - ملتی است. اهداف و منافع اساسی و حیاتی جمهوری اسلامی ایران نیز در بستر نظم مستقر بین‌المللی و برپایه قواعد، هنجارها، قوانین، نهادها و سازمان‌های بین‌المللی موجود پیگیری می‌شود. در این گفتمان نه تنها برهم زدن نظم و وضع جهانی مطلوب نیست، بلکه باید قواعد، هنجارها و اصول حاکم بر نظام بین‌الملل را رعایت کرد و سازمان‌های بین‌المللی را تقویت و تحکیم بخشید؛ به‌گونه‌ای که اهداف و آرمان‌هایی مانند استکبارستیزی، صدور انقلاب و مقابله با سلطه که ظاهراً با موازین و حقوق بین‌الملل تعارض و تخالف دارند، جزء اهداف سیاست خارجی ایران نبوده و باید پیگیری شوند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۲۰۵).

یکی دیگر از اهداف سیاست خارجی دولت موقت، کسب اعتبار و وجهه بین‌المللی به‌عنوان یک دولت قانونمند، مسئولیت‌پذیر و قابل اعتماد بود؛ از این رو، دولت موقت تلاش کرد تا در چارچوب نظام موجود بین‌المللی بر مبنای قواعد و قوانین بین‌المللی رفتار کند. این هدف را می‌توان کسب اعتبار از طریق جلب اعتماد جامعه بین‌المللی و سایر کشورهای جهان دانست. بنابراین، دولت موقت در نخستین روزهای پیروزی انقلاب اسلامی اعلام داشت «به کلیه تعهدات و قراردادهای بین‌المللی رژیم گذشته احترام می‌گذارد». پیگیری هدف کسب اعتبار و اعتماد بین‌المللی در سیاست خارجی دولت موقت در موضوع حقوق بشر نمود بارزی داشت؛ به‌طوری‌که رهبران دولت موقت با اعدام و مجازات‌های فوری سران رژیم پهلوی و گروه‌های ضدانقلاب مخالفت می‌کردند. آنان استدلال می‌کردند که این مجازات‌ها باعث مخدوش شدن وجهه و اعتبار ایران و انقلاب اسلامی در نزد افکار عمومی بین‌المللی می‌شود. به‌ویژه کشورهای اروپایی و آمریکا بارها نسبت به عملکرد دادگاه‌های انقلاب اعتراض و آن را نقض حقوق بشر اعلام می‌کردند. آنان تبلیغات گسترده‌ای را علیه دولت انقلابی و انقلاب اسلامی به راه انداختند تا چهره آن را مخدوش سازند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۳۱۱-۳۱۰).

۲-۱-۳. مصونیت سفراء

مهندس بازرگان متعهد به رعایت قواعد و مقررات بین‌المللی بود. به همین دلیل



حفاظت از سفارتخانه‌ها و مصونیت سفرا را وظیفه دولت می‌دانست. «به‌نظر دولت موقت ارتباط بیشتر با کشورهای خارجی و سفارتخانه‌های آنها، می‌توانست هزینه‌های انقلاب و خسارت‌های آن را کاهش دهد. مهندس بازرگان بعد از پیروزی انقلاب بلافاصله اعلام کرد که می‌خواهد با امریکا رابطه دوسستانه داشته باشد (روبین، ۱۳۶۳: ۷۹).

پس از اشغال سفارت امریکا توسط انقلابیون، مهندس بازرگان معتقد بود دولت موقت از نظر مسئولیت اداری و سیاسی مملکت و حفظ حقوق نمایندگان اتباع خارجی طبق تعهدات بین‌المللی نمی‌توانست مخالف این عمل نباشد. «این عمل بسیار زشت و خلافی است که این دانشجویان انجام می‌دهند و همه با این عمل مخالف هستند، و عمل آنها ضدانقلاب، اسلام و امام و همه چیز است. افشاگری‌های قبلی و حال و آینده دانشجویان، مقداری از آنها دروغ است.» وی یک سال بعد نیز در این رابطه اظهار می‌دارد: «موضوع گروگان‌گیری پیش آمد با تبعاتش، من به خود گروگان‌گیری کاری ندارم ولی آن تبعاتش و خطراتی که بعد از آن پیش آمد، انزوای سیاسی ایران تقریباً در تمام دنیا، حتی در میان ملت‌های ممالک مسلمان، محاصره اقتصادی، وقایع طیس که هنوز آدم نمی‌تواند توجیه بکند که چگونه خداوند مملکت و امام و ملت را حفظ کرد و دنباله‌اش آن توطئه نافرجام و چیزهای دیگر» (مواضع نهضت آزادی در برابر انقلاب اسلامی، ۱۳۶۱: ۲۹).

### ۳-۱-۳. پذیرش قواعد و نظم حاکم بر نظام بین‌الملل

سیاست خارجی دولت موقت در نظر و عمل و با دیدگاهی کلان، تمایل به غرب و نگرانی نسبت به نفوذ شرق، در تلاش برای جلب و بهبود روابط با دولت‌های دیگر به‌ویژه با ایالات متحده امریکا بود، در حالی که ماهیت ضد قدرت انقلاب هم شخص شاه را نشانه گرفته بود و هم ایالات متحده امریکا که حامی اصلی او به‌شمار می‌آمد. دولت موقت سعی داشت این نکته را در باور همه بگنجاند که ایران برای گام نهادن در راه توسعه و جایگزین کردن وضعی بهتر از زمان شاه به دستاوردهای فنی و تکنولوژیکی غرب نیازمند است. برای مثال بازرگان یک هفته پس از پیروزی انقلاب در مصاحبه‌ای با خبرنگار نیویورک‌تایمز که می‌پرسد: آیا شما قصد دارید

کوشش‌هایی در راه بهبود روابط ایران و آمریکا صورت دهید؟ به‌صراحت اعلام می‌کند که: « دولت انقلابی ایران مشتاق است روابط خود را با آمریکا از سر بگیرد» (یزدی، ۱۳۷۷: ۱۲-۱۱).

*ابراهیم یزدی*، وزیر امور خارجه دولت موقت در ۵۸/۲/۲۲ استراتژی سیاست خارجی ایران را در قبال تحولات عمده جهانی تشریح کرد. وی گفت ما در درگیری میان ابرقدرت‌ها شرکت نمی‌کنیم و بی‌طرفی مثبت را در پیش خواهیم گرفت و اضافه کرد ما در هیچ جبهه‌بندی شرکت نخواهیم کرد، ولی در عین حال خود را منزوی نخواهیم کرد و ارتباط خود را با جهان خارج به‌نحو مطلوب حفظ خواهیم کرد (اسماعیلی، ۱۳۸۱: ۱۸۷).

سیاست گرایش یا نگاه به غرب بر چند اصل و فرض استوار بود. اولاً، از منظر گفتمان ملی‌گرایی لیبرال و در چارچوب سیاست موازنه منفی هیچ معنی برای برقراری رابطه و همکاری با غرب و آمریکا وجود ندارد. سیاست عدم تعهد و اصل نه شرقی و نه غربی به‌معنای استکبارستیزی و امریکاگریزی تعریف نمی‌شود. دلیل دوم، تلاش برای اعتمادسازی با غرب و آمریکا و جلب رضایت و حمایت آنان بود. در نتیجه دولت موقت در صدد بود تا با سیاست نگاه به غرب این گرایش ضد امریکایی انقلاب اسلامی را تعدیل کند. به‌عبارت دیگر، دولت موقت در راستای تنش‌زدایی و اعتمادسازی با غرب گام برمی‌داشت.

عدم دخالت در امور داخلی سایر کشورها و ملت‌ها، اصلی مهم در سیاست خارجی دولت موقت بود. زیرا پذیرش وضع و نظم موجود بین‌المللی در چارچوب گفتمان ملی‌گرایی لیبرال و راهبرد موازنه منفی متضمن و مستلزم عدم مداخله در امور داخلی دولت‌های دیگر است. اما آنچه این اصل را در سیاست خارجی دولت موقت متمایز می‌کند، مفهوم دفاعی آن است. در حقیقت این اصل به‌معنای عدم پیگیری اهداف اسلامی بر مبنای مسئولیت‌های فراملی جمهوری اسلامی به‌عنوان یک دولت اسلامی است. برداشتی که انقلابیون از آن به‌عنوان نوعی انفعال و بی‌تفاوتی نسبت به مسلمانان و مستضعفان یاد می‌کردند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۳۰۷-۳۰۶).

انقلاب و حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش را مغایر با اصل عدم مداخله در امور داخلی سایر کشورها می‌دانستند. توجه دولت موقت و لیبرال‌های نظام به اصل اهداف و منافع ملی به‌جای اهداف و منافع فراملی در تأمین امنیت ملی نظام ریشه در برداشت کلی آنها نسبت به سیاست و حکومت داشت. هرچند آنها نیز حکومت دینی را با تفسیر خاص خودشان قبول داشتند، ولی حیطه عملکرد و تأثیرات آن را برای ایران محدود می‌کردند. این اعتقاد کلی باعث می‌شد تا ملی‌گرایی و توجه به منافع ملی برای لیبرال‌ها در اولویت قرار داشته باشد.

### ۲-۳. سیاست همکاری‌جویانه هاشمی با سازمان‌های بین‌المللی

پایان جنگ و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ عصر جدیدی را در روابط ایران با کشورها و سازمان‌های بین‌المللی ایجاد کرد. ابتکار ایران در آزاد کردن گروگان‌های آمریکایی در لبنان و موضع‌گیری ایران در قبال تهاجم عراق به کویت محیط سیاسی را در روابط ایران با کشورهای اروپایی و سازمان‌های بین‌المللی به‌صورت مثبت و بنیادین تغییر داد (Soltani, 2010: 202).

خاتمه جنگ از چند جهت سیاست خارجی ایران را تحت تأثیر قرار داد و الگوی رفتاری آن را متحول ساخت. اولاً، اولویت و سلسله‌مراتب اهداف سیاست خارجی تغییر کرد؛ به‌طوری‌که بازسازی اقتصادی - دفاعی در اولویت نخست سیاست خارجی قرار گرفت و همچنین اولویت و شیوه‌های اهداف ملی، به‌ویژه صدور انقلاب نیز تغییر کرد. برخلاف دهه اول انقلاب که گروه‌های تندور بر صدور انقلاب به هر وسیله‌ای از جمله دخالت در امور دیگران تأکید می‌کردند، در این دوره بر صدور معنوی انقلاب تأکید شد. ثانیاً، الگوی رفتار و تعامل خارجی ایران برای بازیگران دولتی و غیردولتی هم دستخوش دگرگونی و دگردیسی شد. نمود این تأثیرگذاری عادی‌سازی و بهبود روابط با شورای همکاری خلیج فارس و اروپا بود؛ از این‌رو توسعه و گسترش مناسبات با سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی و حضور فعال در آنها تجلی دیگر تحول رفتاری سیاست خارجی است. در واقع سیاست مواجهه‌جویانه دهه اول انقلاب به سیاست همکاری و عادی‌سازی روابط تغییر جهت داد و بیش از اینکه بر ملت‌ها تأکید شود دولت‌ها طرف سیاست

خارجی ایران بودند. ثالثاً، با خاتمه جنگ، زمینه عادی‌سازی روابط ایران و عراق از طریق مذاکرات برای اجرای قطعنامه ۵۹۸ نیز فراهم شد. و این مسئله برخلاف نظر آرمان‌گرایان اسلامی بود که هدفشان تعهد و الزام بی‌چون و چرا به اهداف و آرمان‌های والای اسلامی بدون توجه کافی به عملی بودن یا نبودن آنها و به‌عبارت دیگر عمل به تکلیف شرعی، قطع نظر از نتایج و پیامدهای آن است. بنابراین آرمان‌گرایان تلقی کاملاً آرمان‌گرایانه از دولت اسلامی، انقلاب اسلامی و نظام بین‌الملل دارند. ماهیت و هویت جمهوری اسلامی ایران ایجاب می‌کند که این دولت منافع خود را برحسب مصالح اسلامی تعریف کرده و در سیاست خارجی درصدد تحقق آنها باشد. آرمان‌گرایان همچنین با استناد به کتاب و سنت و بعضی از بیانات امام خمینی (ره)، نظم و نظام بین‌الملل موجود را نامشروع و ناعادلانه می‌دانند و تلاش برای تغییر بنیادین آن را یک تکلیف دینی و واجب شرعی می‌پندارند (عیوضی، ۱۳۸۷: ۲۱۳).

سیاست خارجی ایران در دوره رفسنجانی از مساجرجویی فاصله گرفت و بیشتر به عمل‌گرایی سیر کرد. سه پایه اصلی این تفکر نوین عبارتند از: پذیرش محدودیت شدید توانایی ایران برای ایجاد تحول در عرصه سیاسی دنیای اسلام، نزدیکی آرام به غرب و بهبود روابط با همسایگان ایران (میلانی، ۱۳۸۱: ۶۱۰).

بعضی از مؤلفه‌های سیاست خارجی هاشمی به‌شرح ذیل است:

- پذیرش اختلافات ایدئولوژیک، ارزش‌ها و هنجارهای متفاوت بین کشورها به‌عنوان یک واقعیت زندگی جمعی بین‌المللی؛

- به‌رسمیت شناخته شدن منافع و نقش ملی جمهوری اسلامی ایران در مسائل و امور جهانی و منطقه‌ای در کنار سایر بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی؛

- وجود اختلافات ایدئولوژیک و ارزشی و منافع متعارض بین جمهوری اسلامی ایران و سایر کشورها لزوماً متضمن و مستلزم تنازع، جنگ و عدم همکاری و تعامل با آنها نیست.

- برقراری روابط و مناسبات خارجی براساس احترام و منافع متقابل با سایر کشورها؛

- مشارکت فعال در سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی برای تبیین مواضع و



هنجارسازی بین‌المللی (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۴۰۵-۴۰۳).

### ۱-۲-۳. چندجانبه‌گرایی در سیاست خارجی هاشمی

در دوران سازندگی سیاست چندجانبه‌گرایی به صورت الگوی رفتاری تعامل فعال با سازمان‌های بین‌المللی تجلی یافت. حضور به نسبت فعال ایران در سازمان ملل بیانگر تغییر الگوی رفتار جمهوری اسلامی و آغاز همکاری با نهادهای بین‌المللی به منظور ارتقای منافع ملی ایران بود.

### ۱-۲-۱. ارتباط با مؤسسات مالی بین‌المللی

در دوران سازندگی، آغاز شیفت پارادایمی از اقتصاد برنامه‌ریزی شده به اقتصاد بازار آزاد رقم زده شد. سیاست تعدیل اقتصادی گامی در راستای پیوند با اقتصاد جهانی، جذب سرمایه خارجی و انتقال تکنولوژی بود که آزادسازی اقتصادی و خصوصی‌سازی را در پی داشت. در نتیجه، متناسب با این نوع اقتصاد، راهبرد توسعه صادرات نیز اتخاذ شد. در چارچوب این راهبرد، تلاش شد محدودیت‌های مربوط به واردات کالا کاهش یابد و تسهیلات لازم برای افزایش صادرات ایجاد شود تا زمینه و بستر لازم برای بین‌المللی‌سازی اقتصاد و صنعت ایران در اقتصاد جهانی فراهم گردد.

طرح هاشمی برای دوران پس از جنگ با تشویق سرمایه‌گذاران خارجی به سرمایه‌گذاری در ایران و گرفتن وام از بازارهای جهانی به اجرا درآمد. ایشان چهار هدف ویژه داشت: نخست به انزوای سیاسی ایران پایان دهد؛ دوم نگاه امریکا به ایران را تغییر دهد؛ سوم سرمایه خارجی را به ایران جذب کند؛ چهارم: تسلیحات مدرن نظامی به دست آورد. در واقع خط‌مشی عملی و رفتاری ایران در صحنه سیاست خارجی را می‌توان در قالب عادی‌سازی مورد بررسی قرار داد. محور سیاست خارجی جمهوری اسلامی در این دوره را باید اعاده ثبات در حوزه خلیج فارس، گسترش روابط با سایر کشورها به ویژه کشورهای اروپایی و سازمان‌های بین‌المللی دانست.

برنامه‌های اول و دوم توسعه طی سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶ رشد اقتصادی را هدف اصلی خود قرار داده بود. این برنامه‌ها مجموعه‌ای از سیاست‌های اقتصادی،



مانند خصوصی‌سازی، تشویق سرمایه‌گذاری خارجی، توسعه و نوسازی بازار بورس و ایجاد مناطق آزاد تجاری را دربر می‌گرفت. در مورد چنین سیاست‌هایی دولت ایران در تلاش برای ایفای نقش مطلوب‌تری در حوزه اقتصاد بین‌المللی برآمد و بدین منظور سیاست تحکیم روابط با نظام سرمایه‌داری جهانی را در اولویت روند سیاست خارجی خود قرار داد؛ از این رو ارتباطات قوی با مؤسسات مالی بین‌المللی مانند صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی برقرار کرد. ایران به‌منظور تأثیرگذاری بر روند تصمیم‌گیری صندوق بین‌المللی پول، سهم خود را افزایش داد. همکاری ایران با سازمان‌ها تا ۱۳۷۱ مناسب بود اما از زمانی که *بیل کلیتون* سیاست‌مهار دو جانبه را علیه ایران و عراق به اجرا درآورد، روابط ایران با سازمان‌های بین‌المللی مالی وارد مرحله‌ای از تعارضات و درگیری شد؛ به‌نحوی که اکثریت قریب به اتفاق درخواست‌های وام ایران از بانک جهانی به‌واسطه سلطه آمریکا بر این بانک با کارشکنی‌های متعددی روبه‌رو شد درحالی‌که همکاری فنی، کارشناسی و مطالعاتی در راستای بهره‌گیری از تجارب بانک جهانی و توصیه‌های صندوق بین‌المللی پول ادامه یافت. علاوه بر این ایران در سال ۱۳۷۴ خواستار عضویت در گات که به سازمان تجارت جهانی (WTO) مبدل شده، بود. آقای *کلانتری*، وزیر کشاورزی بر عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی تأکید داشت، زیرا به اعتقاد وی ایران نمی‌توانست جدا از جامعه جهانی زندگی کند و به تحولات جهانی در بخش‌های کشاورزی و صنعتی بی‌اعتنا باشد؛ بلکه ضرورت دارد هرچه سریع‌تر به عضویت سازمان تجارت جهانی درآید تا بدین وسیله بتواند سهم مناسب و درخور شایسته‌ای از بازار جهانی به‌دست آورد (ازغندی، ۱۳۸۱: ۱۰۵).

۲-۱-۲. احترام به هنجارها و قواعد بین‌المللی  
عمده‌ترین شاخصه‌های گرایش عمل‌گرایانه در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران که براساس تعبیری عمل‌گرایانه از نه شرقی نه غربی استوار است را می‌توان در قالب موارد ذیل خلاصه کرد:

- تأکید بر همزیستی مسالمت‌آمیز و اجتناب از کنش‌های خصمانه و تعارضی علیه سیستم بین‌المللی موجود علی‌رغم نارضایتی و انتقاد بنیادی نسبت به مبانی آن؛

- توجه و احترام به هنجارهای رفتار دیپلماتیک؛  
- اهمیت دادن به نقش سازمان‌های بین‌المللی و مجامع جهانی و تشویق کشورهای جهان سوم به استفاده از این اهرم‌ها به منظور دفاع از منافع و علایق خویش؛  
- تلاش برای متوازن‌سازی و تلفیق ایدئولوژی و منافع ملی در ترکیب عوامل تعیین‌کننده سیاست خارجی کشور؛  
- تمایل به جلب منافع، امکانات و سرمایه‌گذاری‌های خارجی و بین‌المللی برای مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی داخلی و طرح‌های صنعتی در مناطق آزاد تجاری و اخذ وام از مؤسسات بین‌المللی؛  
- تلاش مستمر برای بهبود مناسبات بین‌المللی و منطقه‌ای از جمله بازسازی و گسترش روابط سیاسی - اقتصادی با کشورهای منطقه خلیج فارس و خاورمیانه از طریق به‌کارگیری وسیع دیپلماسی دوجانبه و بهره‌گیری از تمهیدات مبتنی بر چندجانبه‌گرایی؛

### ۳-۲-۱-۳. سازمان ملل متحد

پذیرش قطعنامه ۵۹۸ سرآغاز بازسازی روابط ایران با سازمان ملل بود. اگرچه جمهوری اسلامی نسبت به ماهیت و عملکرد سازمان ملل انتقاد داشت، اما الگوی تعامل فعال در قبال آن را در پیش گرفت. همکاری‌های ایران با سازمان ملل متحد در دوران سازندگی، در مقایسه با دوران پیش از آن که سازمان ملل و ارکان آن ابزار نظام بین‌الملل به حساب می‌آمد، به مراتب بهبود یافت. دولت سازندگی با توجه به نقش و جایگاه سازمان ملل، همکاری خود را با ارکان مهم این سازمان از قبیل: مجمع عمومی، شورای امنیت و دیگر نهادهای وابسته به آن توسعه بخشید. البته پایبندی به مواضع اصول‌گرایی اسلامی در دولت سازندگی ایجاب می‌کرد که ایران همواره از دموکراتیزه شدن سازمان ملل و تجدید ساختار آن حمایت کند.

درواقع شاخص‌های اندازه‌گیری گسترش روابط ایران و سازمان ملل متحد در دوران سازندگی، نشان می‌دهد که همکاری‌های ایران و سازمان ملل در دوران سازندگی افزایش یافته است. عمده‌ترین این شاخص‌ها عبارتند از: مشارکت در

کمیسیون‌های مخصوص مجمع عمومی، اعزام هیئت نمایندگی به سازمان ملل، سخنرانی در اجلاس‌های سازمان ملل، و از همه مهم‌تر، متعهد به اجرای قطعنامه‌های مجمع عمومی. به‌ویژه ایران در دوران سازندگی در عمده‌ترین مسائلی که صلح و امنیت جهانی را تهدید و به مخاطره می‌انداخت، از قبیل: مسئله فلسطین، لبنان، افغانستان، بوسنی و هرزگوین و عراق، با شورای امنیت همکاری می‌کرد (یعقوبی، ۱۳۸۷: ۲۴۸). البته در این راستا چندین اقدام عملی صورت گرفت که به اختصار بیان می‌شوند:

- اجرای قطعنامه ۵۹۸؛

- سخنرانی علی‌اکبر ولایتی در چهل‌وهشتمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل؛

- حمایت کامل جمهوری اسلامی از قطعنامه ۷۵۷ سازمان ملل مبنی بر اعمال مجازات‌های سنگین علیه صربستان.

بدین ترتیب، سیاست خارجی عمل‌گرا توانست ضمن بهبود همکاری با سازمان کنفرانس اسلامی، آن را به بالاترین سطح خود که تا دوران قبل از سازندگی بی‌سابقه بوده است، ارتقاء بخشد. در همین راستا چند اقدام عملی صورت گرفت که عبارتند از:

- ایجاد نمایندگی دائم در مقر سازمان واقع در جده در سال ۱۳۷۰؛

- برگزاری چهارمین اجلاس کمیسیون کشاورزی در سال ۱۳۷۴؛

- شانزدهمین اجلاس امور اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در سال ۱۳۷۰؛

- سمینار نقش زنان در توسعه اسلامی؛

- سومین اجلاس وزرای پست و تلگراف کشورهای اسلامی در سال ۱۳۷۵؛

نمونه‌هایی از همکاری ایران با سازمان کنفرانس اسلامی بود (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۴۲۸).

### ۳-۳. سیاست خارجی همگرایانه خاتمی با سازمان‌های بین‌المللی

پس به قدرت رسیدن خاتمی در سال ۱۳۷۶ «اصلاحات در خط‌مشی‌گذاری داخلی و سیاست خارجی مبتنی بر کاهش تنش و دیدگاه مصالحه‌جویانه در قبال امریکا و



سایر بازیگران جهانی در دستورکار دولت قرار گرفت. دولت کلینتون در استراتژی امنیت ملی در سال ۱۹۹۸ گزارش داد که ایران در مبارزه با مواد مخدر تلاش زیادی کرده و همچنین با رفتار مناسب با پناهندگان عراقی و افغانی در راستای ثبات و صلح در افغانستان و عراق و بهبود روابطش با همسایگان تلاش زیادی نموده است» (Johnson, 2012: 28).

سیاست‌های صلح‌طلبانه و وجهه فرهنگی دولت خاتمی به‌ویژه پس از گسترش سیاست تنش‌زدایی و گفتگوی تمدن‌ها، به افزایش نفوذ و اقتدار ایران در صحنه بین‌المللی منجر شد. تلاش‌های خاتمی برای تغییر چهره ایران به یک بازیگر سازنده و پیوند دادن ایران با روندها و مناسبات جهانی از جمله مؤلفه‌هایی بوده است که قدرت نفوذ و وجهه ایران را بهبود بخشید. تلاش خاتمی برای اصلاح و توسعه فرهنگ سیاسی در ایران و تأکید وی بر جامعه مدنی و قانون‌گرایی نیز تأثیرات شگرفی در سیاست خارجی وی داشت. این مسئله سبب شد تا از یک سو خاتمی و اعضای دولت او در حوزه سیاست خارجی نیز با تقویت ایستارهای صلح‌آمیز و همکاری‌جویانه، به مشارکت فعال و آگاهانه در محافل بین‌المللی و حرکت در راستای وابستگی متقابل و گفتگوی بین‌تمدنی بپردازند و از سوی دیگر سایر بازیگران نظام بین‌الملل نیز متأثر از رفتار و جهت‌گیری‌های دولت خاتمی، تمایل خود را برای افزایش و تقویت مناسبات با ایران نشان دهند؛ که این امر نیز خود نشان از تأثیر سیاست‌های نرم‌افزاری دولت خاتمی در بهبود وجهه و افزایش پرستیژ ایران در سطح نظام بین‌الملل دارد.

دیدگاه دولت خاتمی نسبت به نهادها و سازمان‌های بین‌المللی به شرح ذیل خلاصه می‌شود:

### ۱-۳-۳. راهبرد همگرایی با نهادهای بین‌المللی

در طول دوره ریاست‌جمهوری خاتمی تلاش بر ارتباط گسترده با سازمان‌های بین‌المللی، نهادهای بین‌المللی به‌ویژه نهادهای حقوق بشری، و سازمان‌های غیردولتی شد. به عبارتی سیاست خارجی خاتمی بر چندجانبه‌گرایی جهان‌گرا<sup>۱</sup>

استوار بود. از دیدگاه محافظه‌کاران، سیاست خارجی خاتمی، دگرگون کردن هنجارها و اصول ایدئولوژیک محسوب می‌شد. از دیدگاه خاتمی سیاست خارجی بر همکاری و مشارکت بین‌المللی مثبت و سازنده با دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی به‌عنوان ابزاری برای کسب پرستیژ بین‌المللی و ترمیم چهره ایران محسوب می‌شود. صداقت و اعتمادسازی هدف اصلی سیاست خارجی خاتمی در نظام بین‌الملل محسوب می‌شود.

جامعه جهانی، دقیقاً مانند جوامع ملی تشکیل‌دهنده‌اش، مملو از تنوع‌ها و تکثرهاست. در واقع مجموعه‌ای است مرکب از افکار، اندیشه‌ها، باورها، سنت‌ها و ارزش‌هایی که باعث رشد فرهنگ و تمدن شده‌اند. پیشرفت به‌سوی یک جامعه جهانی واقعاً کثرت‌گرا تنها از طریق احترام جدی به آزادی و ارزش‌های دموکراتیک، و نیز از طریق درک و پذیرش کثرت‌گرایی در تمام ابعاد ملی و جهانی آن امکان‌پذیر است (خرازی، ۱۳۸۰: ۱۵-۱۴).

تنش‌زدایی اتخاذ رویه‌ای است ملهم از خردمندی، دوراندیشی، و واقع‌نگری، برای سازگاری، همزیستی و همکاری با دیگران. مدعیان تنش‌زدایی برآنند تا با رعایت و اجرای اصول مردم‌سالاری، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی و قانون‌گرایی بتوانند رفاه عمومی و اعتلای فرهنگی را به‌نحو مطلوب تأمین کنند و در روابط بین‌المللی با پیروی از اصول همزیستی، همکاری و همگرایی با دیگر جوامع بر سر مسائل و مشکلات مشترک اعم از دوجانبه و چندجانبه فائق آمده و در صحنه بین‌الملل به‌منظور مشارکت در تصمیم‌گیری‌های بین‌المللی جایگاه مطلوبی احراز نمایند (باوند، ۱۳۸۰: ۱۲۱).

### ۳-۳. جایگاه سازمان‌های بین‌المللی در سیاست خارجی خاتمی

از دیدگاه دولت خاتمی «سازمان ملل متحد به‌عنوان سازمانی جهان‌شمول باید با قوت به کار خود ادامه داده و نقش آن ارتقاء یابد. این سازمان که فعالیتش در دوران پس از جنگ سرد افزایش یافته است، باید کماکان مرجع حل مشکلات جهانی باشد و منشور ملل متحد علی‌رغم همه کاستی‌هایش به‌عنوان سندی مورد توافق کلیه اعضا مورد احترام قرار گیرد» (خرازی، ۱۳۸۰: ۴).



از میان سازمان‌های بین‌المللی، سازمان ملل نقش عمده‌ای ایفاء می‌کند. از آنجاکه در سازمان ملل اکثریت تمدن‌ها حضور دارند به‌عنوان تریبونی برای طرح و جلب حمایت کشورهای جهان با طرح اختلافات واحدهای سیاسی مختلف و تسهیل گفت‌وگوی سیاسی میان کشورها عمل کرده و در این زمینه تجربه‌ای گرانبها را هم به‌لحاظ تشکیلاتی و هم به‌لحاظ اجرایی کسب کرده‌اند. «در سپتامبر ۱۹۹۸، خاتمی در مراسم افتتاحیه مجمع عمومی سازمان ملل صحبت کرد. رئیس‌جمهور اصلاح‌طلب ایران امیدوار بود که رابطه ایران با جامعه بین‌الملل<sup>۱</sup> مطلوب‌تر از گذشته شود. خاتمی درصدد نشان دادن ایران به‌عنوان بازیگری هنجارمند در جامعه بین‌الملل بود.» (Bakhash, 2013).

حاکمیت اصلاح‌طلبان به رهبری محمد خاتمی بین سال‌های ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۵ باعث بهبود وضعیت اقتصادی و روابط دیپلماتیک شد. در این شرایط خاتمی ایده «گفتگوی میان تمدن‌ها و فرهنگ‌ها» را در سازمان ملل مطرح کرد و سازمان ملل روز ۵ سپتامبر را به‌عنوان روز «گفتگوی میان تمدن‌ها» نام‌گذاری کرد (Salehzadeh, 2013: 8).

در نظام بین‌الملل جدیدی که پس از فروپاشی ساختار دوقطبی شکل گرفته، هنجارهای گذشته تغییر یافته و هنجارهای جدیدی جایگزین آنها شده است. سازمان‌های بین‌المللی از بازیگران عمده در صحنه روابط بین‌الملل هستند که در نظم جدید بین‌المللی نقش بااهمیت‌تری یافته‌اند؛ به‌عبارتی سازمان‌های بین‌المللی دولتی و غیردولتی بین‌المللی نقش برجسته‌ای در گفتگوی تمدن‌ها و مفاهمه تمدنی ایفاء کردند. سازمان‌های دولتی و غیردولتی با ایجاد زمینه‌های لازم برای درک و فهم متقابل تمدن‌ها باعث ایجاد صلح و ثبات بین‌المللی و برقراری محیط صلح‌جویانه و مسالمت‌آمیز می‌شوند و گفت‌وگو و مذاکره را به‌جای مخاصمه و دشمنی نهادینه می‌کنند؛ علاوه بر این سازمان‌های دولتی و غیردولتی با احترام به حقوق بشر و نظرات اقلیت‌ها در راستای حفظ حقوق همه ملت‌ها و قومیت‌ها گام برمی‌دارند و از طریق آموزش و افزایش برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی سعی در ایجاد تفاهم فرهنگی و دوری از دوگانگی در معیارهای جهانی دارند. این سازمان‌ها با تأکید بر

جنبه‌های اشتراکی و پرهیز از تأکید بر نقاط افتراق میان تمدن‌ها و دوری از توجه به تفاوت سلیقه‌ها و اختلافات سیاسی آنها، در شناخت جنبه‌های عینی اشتراک و تشابهات تمدنی و درک مشترک آنها از یکدیگر نقش دارند (دهشیری، ۱۳۷۷: ۱۶۲).

**خرازی** وزیر امور خارجه ایران در دوره خاتمی در سخنرانی خود در مؤسسه روابط بین‌الملل دانشگاه علوم سیاسی و اجتماعی پانثون - آتن (۳ دی ۱۳۷۶) می‌گوید: «حال که ملاک‌های [ما] به‌طور نسبی روشن شد، اجازه دهید در مورد اولویت‌های سیاست خارجی ایران در عمل بحث کنیم. من بر چهار اولویت تکیه می‌کنم:

- صلح و امنیت در همسایگی ایران؛
- دوستی با جهان اسلام؛
- همکاری سیاسی، فرهنگی و اقتصادی با کشورها و سازمان‌های برگزیده؛
- مشارکت فعال در سازمان‌های بین‌المللی» (خرازی، ۱۳۸۰: ۸۳).

سیاست خارجی خاتمی، تلاش برای اصلاح نهادها و سازمان‌های بین‌المللی و در رأس آنها سازمان ملل متحد بود. اصلاحاتی که از یک‌سو نقش‌آفرینی سازمان ملل را در مدیریت امور بین‌المللی افزایش دهد و از سوی دیگر بر مبنای مشارکت حداکثری کشورهای عضو باشد. تحقق این هدف اصلاحی از دو طریق امکان‌پذیر است. اول، ارتقاء جایگاه و نقش مجمع عمومی در مقایسه با شورای امنیت، دوم، افزایش اعضای دائم شورای امنیت به گونه‌ای که نمایندگان از جهان سوم و اسلام نیز در آن عضویت داشته باشند.

### ۳-۳-۳. حقوق بشر و سیاست خارجی خاتمی

اهمیت و جایگاه فزاینده حقوق بشر و بشردوستانه در حیات جمعی و زیست بین‌المللی در دوران معاصر، مسئله‌ای غریب و ناشناخته نیست. بلکه چنین پدیده‌ای را به‌سادگی می‌توان با مراجعه به دکتترین حقوق بین‌الملل و همچنین اسناد حقوق قوام‌نیافته و حتی مصوبات الزام‌آور سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشری و رویکرد نهادهای مدنی پایش و نظارت بر اجرای حقوق بشردوستانه به‌خوبی و ملموس

ملاحظه کرد. دولت دوم خرداد در نظر و گفتار با اصول بنیادین حقوق بشر شامل حق حیات، ممنوعیت بردگی و بندگی، منع بازداشت به لحاظ تعهد حقوقی، عطف به ماسبق نشدن قانون در امور کیفری، داشتن شخصیت حقوقی و حق آزادی عقیده و مذهب که در بند ۲ ماده ۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی از جمله حقوق غیرقابل انحراف یا قواعد بنیادین حقوق بشر محسوب شده‌اند، تعارضی ندارد و با حمایت و ارتقای حق حیات، رهایی از شکنجه، برابری در مقابل قانون و آزادی بیان - که نیازمند پشتیبانی و حمایت یک دولت قانونمند هستند - موافق بوده و اساساً در نظر و گفتار با آنها تعارضی ندارد، بلکه به تمام این اصول از منظر فرهنگ ملی - دینی، جمهوری اسلامی ایران می‌نگرد. به دلیل همین گفتارها و رفتارهای اعلان‌شده از سوی معتمدان به برنامه‌های اصلاحات، بسیاری از کشورها در این مرحله ناچار شدند فشارها را نسبت به جمهوری اسلامی کاهش دهند و نسبت به ایران انعطاف نشان دهند (ذاکریان، ۱۳۸۰: ۱۷۲).

قدرت تلفیق ارزش‌های انقلابی و بومی با معیارهای بین‌المللی، همراه با آشنایی خاتمی به حساسیت‌های فکری جهان به‌ویژه در امکان همراهی دین و آزادی، برای دولت اصلاحات فضایی را به وجود آورد که نظرات ایران با احترام مورد توجه جهانیان قرار گیرد. ایران در عرصه مناسبات بین‌المللی بر دو مفهوم کلیدی تنش‌زدایی و گفت‌وگوی تمدن‌ها تأکید کرد؛ هرچند این مفاهیم در مرحله عملیاتی هنوز نیاز به بازسازی و توسعه داشتند ولی کم‌وبیش به حالت اجماعی، به‌عنوان سیاست‌های نظام مشخص شده و در سخنان مقامات طراز اول ایران و مجموعه دیپلماتیک ایران، که به‌هیچ‌رو انحصاراً در وزارت امور خارجه خلاصه نمی‌شد، پژواک داشتند. تأکید بر مفاهیم تنش‌زدایی و گفت‌وگوی تمدن‌ها و مفاهیم دیگری که به‌نحوی در ارتباط با این دو مفهوم قرار می‌گیرند، نظیر اعتمادسازی، مشارکت و تفاهم، مورد استقبال عمومی دولت - ملت‌ها قرار گرفت. تجلی این مقبولیت را می‌توان در قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۸ مبنی بر اعلام سال ۲۰۰۱ به‌عنوان سال بین‌المللی گفت‌وگوی تمدن‌ها نظاره‌گر بود.

می‌توان ویژگی‌ها و اولویت‌های اصلی سیاست خارجی دولت خاتمی را به‌شکل زیر خلاصه کرد:



- توسعه روابط با همه کشورها براساس احترام متقابل، علاقه مشترک و عدم مداخله در امور داخلی دیگران؛

- تأکید بر نهادینه‌سازی حقوق بین‌الملل به‌عنوان مبنای نظم جهانی و داوری نهایی میان دولت‌ها؛

- تلاش برای تحقق کاهش تنش در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی و مشارکت فعال در حل درگیری و ایجاد و حفظ صلح؛

- حمایت از کلیه حقوق بشر و رد هر حرکتی در راستای سوءاستفاده‌گرینشی و غیرعادلانه از حقوق بشر به‌عنوان ابزار سیاسی؛

- جلوگیری از مسابقه تسلیحاتی در سطوح منطقه‌ای و جهانی، نابودی سلاح‌های کشتار جمعی و کنترل سلاح‌های متعارف؛

- حضور فعال و مشارکت سازنده در سازمان ملل و سایر سازمان‌های بین‌المللی با کمک مؤثر به تلاش‌های بین‌المللی در مورد موضوعات جهانی مانند کنترل تسلیحات و خلع سلاح، توسعه جامع و پایدار حقوق بشر، ایجاد صلح، مبارزه با تروریسم و اعمال غیرقانونی و اصلاح ترتیبات ناعادلانه بین‌المللی، و دفاع از حقوق شهروندان ایرانی در سراسر جهان (خرازی، ۱۳۸۰: ۲۰-۱۹).

کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد نیز به میزان بسیار زیادی از تحولات مثبتی که در جمهوری اسلامی ایران پس از دوم خرداد به‌وقوع پیوست، اظهار رضایت کرد. در قطعنامه E/CN.4/199B/L.100 کمیسیون حقوق بشر آمده است: «کمیسیون حقوق بشر از اعلام تعهد دولت جمهوری اسلامی ایران به تقویت احترام به حکومت قانون، تأکید بر گسترش جامعه‌ای که در آن حقوق بشر به‌طور کامل محترم شمرده شده و جامعه مدنی رشد پیدا می‌کند و پیشرفت در زمینه آزادی بیان، به‌ویژه در زمینه فرهنگی و تمایل مقامات حکومت به اجازه برگزاری تظاهرات عمومی، استقبال می‌کند» (ذاکریان، ۱۳۸۰: ۱۷۳).

### نتیجه‌گیری

جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۲ سیاست یکسانی نسبت به سازمان‌های بین‌المللی اتخاذ نکرد. تغییر کارگزاران در ایران و وضعیت داخلی

کشور، به‌ویژه مسائل و مشکلات اقتصادی و سیاسی باعث دگرگونی دیدگاه‌ها و برداشت‌ها نسبت به سازمان‌های بین‌المللی شد. دولت بازرگان بدون توجه به وضعیت انقلابی با پذیرش قواعد و هنجارهای حاکم بر نظام بین‌المللی از طریق تعامل با سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی درصدد تأمین منفعت ملی ایران بود؛ به همین دلیل طبق قواعد حقوق بین‌الملل و اصل مصونیت سفرا با اشغال سفارت امریکا مخالفت کرد. ایران از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۸ با اتخاذ سیاست ایدئولوژیک، سازمان‌های بین‌المللی را عامل و در خدمت استکبار و امپریالیسم تعریف نمود. با پایان یافتن جنگ تحمیلی و پیامدهای ناشی از آن، استقرار دولت عمل‌گرای هاشمی و تغییر و تحولاتی که در ایران و نظام بین‌المللی اتفاق افتاد، به‌تدریج دیدگاه ایران نسبت به سازمان‌های بین‌المللی تغییر کرد و سیاست تعاملی با سازمان‌های بین‌المللی، به‌ویژه ارگان‌های مرتبط با سازمان ملل در سیاست خارجی مورد توجه قرار گرفت. سیاست همکاری‌جویانه ایران با سازمان ملل در بحران کویت ۱۹۹۱ و پیرو آن معرفی عراق به‌عنوان متجاوز به خاک ایران، نتیجه سیاست تعاملی هاشمی بود. پذیرش نظریه «گفتگوی تمدن‌ها» در سال ۲۰۰۱ دیدگاه ایرانی‌ها را نسبت کارکرد سازمان‌های بین‌المللی متحول کرد. از دیدگاه دولت اصلاحات، با همکاری با سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی، به‌ویژه سازمان‌های حقوق بشری و جبهه ایران تقویت و منفعت و امنیت ملی ایران بهتر تأمین می‌شود. می‌توان از سال ۲۰۰۱ به‌عنوان نقطه عطف سیاست‌های ایران در قبال سازمان‌های بین‌المللی یاد کرد. در دوره احمدی‌نژاد نسبت به جایگاه، ماهیت و کارکرد سازمان‌های بین‌المللی، به‌ویژه سازمان ملل و شورای امنیت در مورد تأمین منفعت و امنیت ملی کشور بی‌توجهی شد. این امر باعث تصویب قطعنامه‌هایی در چارچوب فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد علیه ایران شد.

تجربه بیش از سه دهه سیاست خارجی جمهوری اسلامی حاکی از این است که سیاست همگرایی و همکاری‌جویانه ایران با سازمان‌های بین‌المللی ضمن ارتقای جایگاه و بهبود چهره ایران در جهان، علاوه‌بر مشارکت کارگزاران ایرانی در تصمیم‌سازی این سازمان‌ها، منفعت ملی و امنیت ملی را بهتر تأمین می‌کند.

## منابع

### الف - فارسی

- اسلامی، مسعود (۱۳۸۶)، «همگرایی و واگرایی در سازمان‌های بین‌المللی و راهکارهای ارتقاء جایگاه جمهوری اسلامی در آنها»، در کتاب: *ایران و سازمان‌های بین‌المللی*، تهران: انتشارات مرکز تحقیقات استراتژیک.
- اسماعیلی، خیرالله (۱۳۸۰)، *دولت موقت*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- احمدی‌نژاد، محمود (۱۳۸۶)، *تجلی هویت ایرانی در نیویورک*، تهران: مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری.
- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۹)، *چارچوب‌ها و جهت‌گیری‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: قومس.
- ادیب‌زاده، مجید (۱۳۸۷)، *زیان، گفتمان و سیاست خارجی: دیالکتیک بازنمایی از غرب در جهان نمادین ایرانی*، تهران: اختران.
- امینی، آرمن (۱۳۸۶)، «سازمان‌های بین‌المللی در ابتدای هزاره سوم»، در کتاب: *ایران و سازمان‌های بین‌المللی*، تهران: انتشارات مرکز تحقیقات استراتژیک.
- آئین انقلاب اسلامی* (۱۳۷۴)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام.
- بازرگان، مهدی (۱۳۶۲)، *انقلاب ایران در دو حرکت*، تهران: ناشر مهندس بازرگان.
- باوند، داود (۱۳۸۰)، «نگرشی گذرا بر سیاست خارجی دولت خاتمی: نویدها و زندهاها»، در کتاب: *مجموعه مقالات سیاست خارجی از منظر صاحب‌نظران*، گردآوری و تدوین مهدی ذاکریان، تهران: همشهری.
- بخشایش اردستانی، احمد (۱۳۷۵)، *اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: آوای نور.
- زمانی‌نیا، امیرحسین (۱۳۸۶)، «جایگاه ایران در سازمان‌های بین‌المللی»، در کتاب: *ایران و سازمان‌های بین‌المللی*، تهران: انتشارات مرکز تحقیقات استراتژیک.
- طباطبایی، سیدعلی (۱۳۸۶)، «چشم‌انداز سازمان‌های بین‌المللی در جهان امروز»، در کتاب: *ایران و سازمان‌های بین‌المللی*، تهران: انتشارات مرکز تحقیقات استراتژیک.
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۷۷)، «پیش‌شرط گفتگوی تمدن‌ها»، در *مجموعه مقالات: چیستی گفتگوی تمدن‌ها*، تهران: سازمان مدارک انقلاب اسلامی.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۸)، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران:

سمت.  
 روپین، باری (۱۳۶۳)، *جنگ قدرت‌ها در ایران*، ترجمه محمود مشرفی، تهران: انتشارات آشتیان.  
 ساعد، نادر (۱۳۸۹)، *حق بر صلح عادلانه*، تهران: نشر مجمع جهانی صلح اسلامی.  
 پیژ، کلی کیت (۱۳۸۷)، *سازمان‌های بین‌المللی*، ترجمه حسین شریفی طرازکوهی، چاپ دوم، تهران: میزان.  
 ذاکریان، مهدی (۱۳۸۰)، «فراگرد رعایت حقوق بشر و موقعیت بین‌المللی ایران در دوره اصلاح‌طلبان»، در کتاب: *مجموعه مقالات سیاست خارجی از منظر صاحب‌نظران*، گردآوری و تدوین مهدی ذاکریان، تهران: همشهری.  
 خرازی، کمال (۱۳۸۰)، *سیاست خارجی ما*، جلد ۱، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.  
 میلانی، محسن (۱۳۷۹)، «تشیع و حکومت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، در کتاب: *فرهنگ سیاسی در جمهوری اسلامی ایران*، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.  
 مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۸)، *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*، تهران: نشر سمت.  
 موسویان، سیدحسین (۱۳۸۵)، *چشم‌انداز سازمان‌های بین‌المللی در جهان امروز*: <http://www.csr.ir/Departments.aspx?lng=fa&abtid=06&depid=44&semid=362>  
 نوروزی، حسین (۱۳۸۵)، *نگاهی به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، زیر نظر: نسرین مصفا، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.  
 عیوضی، محمدرضا (۱۳۸۷)، «تحلیلی بر سیاست خارجی دکتر محمود احمدی‌نژاد»، *راهبرد یاس*، شماره ۴، تابستان.  
 نهضت آزادی ایران، *مواضع نهضت در قطعنامه سوم، چهارم و پنجم*، تهران: نهضت آزادی ایران.  
 یزدی، ابراهیم (۱۳۷۷)، «ناگفته‌هایی از دوران انقلاب و بعد از آن»، *ماهنامه گزارش*، سال هشتم، شماره ۹۱، شهریور.  
 یعقوبی، سعید (۱۳۸۷)، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران سازندگی*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

#### ب - انگلیسی

Bakhash, Shaul (2013), "Iran at the UN from Khamenei to Rouhani", [www.mideast.foreignpolicy.com/posts/2013/09/19/iran\\_at\\_the\\_un\\_from\\_khamenei\\_to\\_rouhani](http://www.mideast.foreignpolicy.com/posts/2013/09/19/iran_at_the_un_from_khamenei_to_rouhani).  
 Johnson, Stephen (2012), "Iran's Influence in the Americas", A Report of The CSIS Americas Program, Center for Strategh and International Studies, [www.csis.org](http://www.csis.org).  
 Soltani, Fakhreddin (2010), "Foreign Policy of Iran after Islamic Revolution",



*Journal of Politics and Law*, Vol. 3, No. 2, September 2010,  
[www.ccsenet.org/jpl](http://www.ccsenet.org/jpl).

Salehzadeh, Alan (2013), "Iran's Domestic and Foreign Policies", National  
defence University department of Strategic and Deffence Studies Series  
4: Working Papers, No. 49, Most Recent Publications in pdf-format:  
<http://www.doria.fi>.

Maier-Rigaud, Remi (2008), "International Organizations as Corporate Actors:  
Agency and Emergence in Theories of International Relations", Preprints  
of the Max Planck Institute for Research on Collective Goods Bonn  
2008/7. <http://www.coll.mpg.de>.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی